**انترناسیونال ۶۳۵**

**یادداشتهای هفته**

**حمید تقوای**

**ماهیت بحران خاورمیانه چیست؟**

هنری کیسینجر استراتژیست پرنفوذ و سابقه دار طبقه حاکمه آمریکا در پاسخ به سئوالی در مورد بحران خاورمیانه چنین میگوید**:**

**"** من فکر می‌‌کنم ما باید در ابتدا طبیعت بحران را درک کنیم، نه‌تنها یک بحران بلکه چند بحران که به‌طور موازی در حال وقوع است؛ بحران حاکمیت: به این صورت است که مردم وفاداری به حاکمیت خود را از دست داده‌‌اند، بنابراین تنشی بین مردم و حاکمان وجود دارد. این بحران دقیقا همان چیزی است که بحران سوریه آغازگر آن بود، اما وقتی ما به بحران سوریه به‌عنوان بحرانی بین حاکمیت و مردم همگون فکر کردیم، از بحران دیگری که در جریان بود غافل شدیم. بحرانی که از آن غافل شدیم بحرانی بود که براساس تفاوت و تنوع بسیار زیاد در جمعیت این کشورها از نقطه نظر تنوع قومی و مذهبی رخ داد. وقتی حاکمیت مرکزی ضعیف می‌شود، چه با انقلاب، چه با فشار نیروهای خارجی و چه توسط عوامل دیگر، نتیجه‌اش مخالفان یکدستی نیست که شما بتوانید نظریات دموکراتیک را روی آن پیدا کنید بلکه تعارضی بین گروه‌های گوناگون قومی و مذهبی رخ می‌دهد که برای بقا یا سلطه تلاش می‌کنند."

کیسنیجر به درستی طبیعت بحران را بحران حاکمیت و تنش بین مردم و حاکمیت میداند. مردم در سوریه انقلابی را شروع کردند و بوسیله رژیم اسد از زمین و هوا در هم کوبیده شدند و حاصل این بخون کشیدن تظاهرات و اعتراضات توده ای و برحق مردم، بجلو رانده شدن انواع نیروهای اسلامی و قومی عشیرتی در دفاع از رژیم اسد و یا در مقابله با آن بود. شرایط امروز سوریه حاصل سرکوب خونین انقلاب مردم بوسیله رژیم اسد است که با حمایت فعال جمهوری اسلامی ودولت روسیه همراه بود وهنوزهم چنین است. دولت آمریکا و متحدینش در ایجاد این شرایط نقش تعیین کننده ای داشتند. انقلاب سوریه ادامه انقلاب مصر وتونس بود اما میداندار شدن نیروهای قومی مذهبی ادامه وضعیتی است که حمله نظامی آمریکا در عراق و در افغانستان ایجاد کرده بود. جنگ و توحشی که داعش و القاعده وطالبان و بوکوحرام و جمهوری اسلامی و عربستان و ترکیه در منطقه براه انداخته اند حاصل تضاد منافع بین مذهب و اقوام وعشایر نیست بلکه نتیجه رقابت و جنگ قدرت بین بخشهای مختلف بورژوازی منطقه است. این نیروها هر یک بدنبال تثبیت قدرت و نفوذ بورژوازی خودی در خاورمیانه بهم ریخته در اثر یورش نظامی آمریکا هستند. اینها درگیری خونین بلکوبندیهای بورژوازی منطقه برای تثبیت قدرت خود در خلاء قدرتی که سیاستهای میلیتاریستی آمریکا ایجاد کرده است را نمایندگی میکنند و نه یک جنگ فئودالی بین عشایر و اقوام را.

کیسینجر یک علت بحران امروز خاورمیانه را غفلت از تنوع قومی مذهبی جوامع خاورمیانه میداند اما این شرایط حاصل ساختار سنتی قومی عشیرتی این جوامع نیست بلکه نتیجه استراتژی میلیتاریستی تامین هژمونی آمریکا است که بوسیله بوش پدر و پسر به پیش برده شد. و بدنبال آن بخاطر روی کار آوردن حکومتهای قومی مذهبی و لویا جرگه ای در عراق و افغانستان است که یک کاربرد دکترین جوامع موزائیکی در لابراتوار خاورمیانه بود. دولت آمریکا از تنوع قومی مذهبی جوامع خاورمیانه غافل نشده بلکه آنرا در تثبیت نظم نوین مورد نظر خود بکار گرفته است.

"تنوع قومی ومذهبی" در خاورمیانه صدها سال است وجود دارد ولی هیچ زمان احزاب و دولتهای قومی مذهبی این چنین در سیاست میداندار نشده بودند. ماهیت این بحران همان بحران حکومتی است که کیسنجر به آن اشاره میکند اما این بحران ناشی از درماندگی سرمایه داری امروز در پاسخگوئی به ابتدائی ترین نیازهای مردم خاورمیانه است و نه ناشی از تنوع قومی مذهبی این جوامع. همین امروز در دل این آتش وخونی که خاورمیانه را در بر گرفته شاهد جنبش توده ای مردم در عراق و در افغانستان در دفاع از سکولاریسم وجامعه مدنی هستیم. یعنی آرمانهائی که بورژوازی غرب مدتهاست از آن عقب نشسته و دکترین جوامع قومی مذهبی را جانشین آن کرده است. پاسخ مردم منطقه به بحران خاورمیانه و آنچه فی الحال توده مردم منطقه را به حرکت درآورده است نه هویت تراشیهای قومی مذهبی برای این جوامع بلکه آرمانها و ارزشهای جهانشمول انسانی است که امروز مردم عراق وافعانستان از هر مذهب و قومیتی پرچم آنرا برافراشته اند.

١٩ نوامبر ١٥